



چهارشنبه 16 تیر 25 رجب 7 ژوئیه

شهادت امام موسی کاظم (ع) در سال 183 هجری قمری...

شهادت امام موسی کاظم (ع) در سال 183 هجری قمری

امام موسی بن جعفر (ع)، هفتمین امام شیعیان است. لقب های وی عبارتند از: کاظم، صالح، صابر، امین و عبدصالح. هم چنین در میان شیعیان به "باب الحوائج" معروف می باشد. آن حضرت، مکنی به: ابوابراهیم، ابوالحسن اول، ابوالحسن ماضی، ابوعلی و ابواسماعیل می باشد.

امام موسی کاظم (ع) در هفتم صفر سال 128 و یا 129 قمری در اُبوا (روستایی در میان مکه و مدینه)، از بانویی پرهیزکار و صالحه، به نام "حمیده بربریه"، که معروف به "حمیده مصفاه" بود، دیده به جهان گشود و در بیست سالگی، پس از شهادت پدرش امام جعفر صادق (ع)، به امامت شیعیان نایل آمد.

ایام امامت وی، معاصر بود با خلافت چهار تن از خلفای عباسی (منصور دوانقی، مهدی، هادی و هارون الرشید). امام کاظم (ع) از سوی تمام خلفای مزبور، در رنج و عذاب بود و چندین بار از سوی آنان دستگیر و زندانی گردید. تنها در دوران خلافت هارون الرشید، به مدت چهار سال (از شوال سال 179 تا زمان شهادتش در سال 183 قمری) در حبس و شکنجه بود. هارون الرشید (پنجمین خلیفه عباسی) که دشمنی و ناسازگاری غیر قابل انکاری با ذراری حضرت فاطمه زهرا (س) و اولاد و احفاد امیر مومنان (ع) داشت، در آزار و شکنجه سادات علوی و منتسبین به خاندان امامت و ولایت، کوتاهی نمی کرد. وی که از مستبدترین حاکمان عباسی و جنایت کارترین آن ها است، وجود شریف امام موسی کاظم (ع) و مقام و معنویت وی و احترام مردم نسبت به او را، تحمل نمی کرد و از این بابت، بسیار ناراحت و عصبانی بود.

سرانجام در رمضان سال 179 قمری، که برای مراسم عمره وارد مکه شد و سپس به مدینه رفته بود، در آن جا دستور داد امام موسی کاظم (ع) را دستگیر کنند.

مأموران هارون، امام موسی کاظم (ع) را در حالی که در کنار قبر جدش حضرت محمد (ص)، به نماز و نیایش اشتغال داشت، دستگیر کردند و به نزد هارون بردند.

هارون دستور داد، وی را در غل و زنجیر کرده و به سوی عراق حرکت دهند. وی برای سردرگمی مردم و پیش گیری از عکس العمل های احتمالی مردمی، دو محمل ترتیب داد و یکی را به سوی بغداد و دیگری را به سوی بصره روان داشت. امام موسی کاظم (ع) را در محمل بصره قرار داد. مأموران حکومتی، در هفتم ذی حجه همان سال، امام موسی کاظم (ع) را تسلیم عیسی بن جعفر بن منصور دوانقی، پسر عموی هارون الرشید و حاکم وی در بصره نمودند. عیسی بن جعفر، آن حضرت را در یکی از حجره های خانه خویش محبوس کرد و در آغاز به وی سختگیری نمود ولی بعدها که عبادت و نیایش های دراز مدت آن حضرت را از نزدیک مشاهده کرد، از سختگیری خویش نسبت به آن حضرت کاهید و به هارون نامه نوشت که آن حضرت را از حبس خانه وی خارج کند، در غیر این صورت، وی خودش آن حضرت را آزاد می کند.

هارون، بناچار امام موسی کاظم (ع) را از حبس بصره خارج کرد و وی را به بغداد منتقل نمود و در خانه فضل بن ربیع، زندانی کرد. در آن مدتی که امام (ع) در نزد فضل بن ربیع زندانی بود، چند بار هارون از فضل بن ربیع درخواست کرد که آن حضرت را به شهادت رساند، ولی وی امتناع کرد و از این امر سر باز زد.

هارون، بار دیگر آن امام همام را از زندان فضل بن ربیع، به زندان فضل بن یحیی برمکی منتقل کرد و از وی درخواست نمود که آن حضرت را به شهادت برساند. ولی فضل بن یحیی نیز امتناع نمود و در مقابل بر اعزاز و اکرام آن حضرت افزود. هارون که از رفتار فضل بن یحیی به خشم آمده بود، دستور داد وی را دستگیر و یکصد تازیانه بر بدنش بزنند و از تمام مناصب و مقامات بر کنارش کنند و امام موسی کاظم (ع) را به زندان "سندی بن شاهک" منتقل کرده و در آن جا وی را شکنجه و آزار نمایند.

سندی بن شاهک با قساوت قلب و سنگ دلی تمام، با آن حضرت رفتار می کرد و پس از چندی شکنجه و آزار طاقت فرسا به دستور هارون الرشید به آن حضرت، خرمای مسموم خوراندید و وی را غریبانه و مظلومانه در 25 رجب سال 183 قمری به شهادت رسانید.

پس از شهادت امام کاظم (ع)، سندی بن شاهک در یک عمل فریب کارانه، فقها، قضات و بزرگان بغداد را حاضر ساخت و جسد مطهر امام (ع) را به آنان نشان داد و گفت: ببینید که وی بدون هیچ جراحت و زخمی و به اجل عادی از دنیا رفته است و کسی در رحلت وی، مقصر نبوده است. سپس جنازه مطهر امام (ع) را به مدت سه روز در جسر بغداد گذاشته و روی مبارکش را گشوده و مردم را ندا می کردند که این موسی بن جعفر (ع) است که از دنیا رفته و بیاید وی را مشاهده کنید. مردم دسته، دسته می آمدند و آن حضرت را نگاه می کردند.

پس از آن، با همت والای سلیمان بن منصور، عموی هارون الرشید، که از اشراف و صاحب نفوذان عباسی بود، تشییع جنازه باشکوهی از جنازه امام موسی کاظم (ع) به عمل آمد و در مقابر قریش، در بغداد به خاک سپرده شد.

قبر شریف امام موسی کاظم (ع)، هم اکنون در کاظمین، که عراقی ها، آن را کاظمیه می گویند، قرار دارد و قبر فرزندزاده اش حضرت امام محمدتقی (ع) نیز در جوار وی می باشد و زیارتگاه شیعیان و شیفتگان مکتب اهل بیت (ع) می باشد.

شیخ مفید (ره) درباره شخصیت امام موسی کاظم (ع) گفت: و کان ابوالحسن موسی (ع)، أعبد أهل زمانه، و أفقههم، و أسخاهم کفأً و اکرمهم نفسا.

يعني: ابوالحسن امام موسي كاظم(ع)، از همه مردم عصرش پارسا تر، دانا تر، سخاوتمند تر و گرامي تر بود. هم چنين در جاي ديگر گفت: و قد روي الناس عن ابي الحسن موسي(ع) فأكثروا، و كان أفتح أهل زمانه حسب ما قدمناه و احفظهم لكتاب الله، و احسنهم صوتا بالقرآن، و كان اذا قرأ يحزن، و يبكي السامعون لتلاوته و كان الناس بالمدينه يسمونه زين المتهجدين، و سمي بالكاظم لما كظمه من الغيظ و صبر عليه من فعل الظالمين به، حتي مضى(ع) قتيلا في حبسهم و وثاقهم. يعني: مردم (منظور علماي اهل سنت) روايات فراواني از ابي الحسن امام موسي كاظم(ع) روايت كردند و چنانچه پيش از اين بيان كرديم، آن حضرت را از همه معاصرانش دانا تر و آگاه تر به كتاب الهي مي دانستند و گفته اند كه آن جناب، كتاب خدا (قرآن مجيد) را از همه بهتر و با صداي دلنواز تر تلاوت مي كرد و در هنگام قرائت قرآن مجيد، مي گريست و آن هايي كه در آن جا حاضر بودند، نيز مي گريستند و مردم مدينه آن حضرت را زينت عبادت پيشه گان و شب زنده داران مي ناميدند و چون همواره خشم خود را فرو مي نشانيد و در برابر ستمگري هاي ستمگران بردباري مي نمود، وي را "كاظم" ناميدند و سرانجام در بند و زندان آنان به شهادت رسيد.